

## غم و ترحم

حرف های فرهاد توحیدی دبیر جشن خانه سینما در مراسم سال ۸۹

چاپ شده در : روزنامه شرق

زمان انتشار : شهریور ماه ۱۳۸۹

این یادداشت یکی از بخش های مختلف ستون "میکروسکوپ خصوصی من" بود که عنوان اغلب یادداشت هایم در صفحه آخر روزنامه های "شرق" و "اعتماد" بوده و هست؛ و با تمام توقیف ها و رفع توقیف های چندین باره این دو روزنامه، مانند فعالیت خود آنها، ادامه یافته است.

ضمناً این مطلب در دل مشکلات شدید خانه سینما برای برگزاری جشن بزرگ سینمای ایران در سال ۸۹ بدون هیچ نوع حمایت رسمی و در اوج سوء تفاهم های منجر به تعطیلی این خانه در آینده ای که شاید از آن موقع قابل پیش بینی بود، نوشته و چاپ شد.

\*

\*

آن چه دبیر چهاردهمین جشن سینمای ایران در شب نهایی برگزاری این مراسم در پنج شب گذشته به جای بیانیه های گزارشی و آماری و کلیشه ای معمول خواند، حتی اگر هیچ ریشه ای در تخیل خود او به عنوان نویسنده نداشته باشد و حتی اگر درست برعکس، کاملاً خیالی باشد و هیچ نامه ای در پس آجرهای به جامانده از استودیوهای قدیمی محل ساختمان خانه سینما در کار نباشد، بس ظریف و خلاقانه به چشم می آید: این سیری است که تکرار تاریخ در مواجهه نامهربانانه و هنرنشنانانه متولین رسمی فرهنگ و هنر با اهالی فعال و خلاق این عرصه ها را نشان مان می دهد. و از جلوه های روشن این سیر تکرار، همین بس که در گزارش کاملاً جهت دار و غرض ورزانه برنامه تلویزیونی «هفت» از جشن، حتی در حد نیم سطر هم اشاره ای به آن نشد. گزارشی که در ادامه همان تعمد آشنای تلویزیون برای آشفته جلوه دادن مناسبات درون گروهی اهل سینما، به شکلی حیرت انگیز حتی برخی اشاره های کوچک و ساده مانند گلایه دوستانه ترانه علیدوستی به نوع توزیع کارت های جشن را هم به منزله یک معضل و اختلاف بزرگ، بازمی گفت و هر کنایه و جواب آدم ها بر روی سن مراسم را با مودی گری تکرار می کرد تا در این اوج

فشارها و بی مهری های معاونت سینمایی نسبت به اهل سینما، خود این سینماگران را درگیر جنگ های داخلی معرفی کند و همه چیز را در چشم آنان به مصداق «ازماست که برماست» بدل کند. جالب این جاست که در این مسیر، گزارشگری که روی تصاویر جشن حرف می زد و داشت دقیقاً شکل طعنه زنی های عادل فردوسی پور روی تصاویر گزیده اش از هر هفته لیگ در برنامه نود را الگو قرار می داد، حتی انتقاد هوشنگ گلمکانی به سخافت آشکار فیلم های روی اکران را هم به جای معاونت سینمایی و شورای صنفی کاملاً دستچین شده اش با بیشترین میزان نزدیکی به نگاه رسمی (از جمله، ریاست سعید سهیلی در آن)، انتقادی به پیکره خانه سینما تلقی کرد! و در حالی که به نظر می رسید این بناست گزارشی جسور و متفاوت باشد که تا این حد پرده از وجاهت ظاهری تشریفاتی از این دست بر می دارد، در بخش مربوط به «فیلم ها و نام هایی که کاندیداتوری شان حاشیه هایی داشت»، حتی نام «ستوری» و گلشیفته فراهانی را هم نیاورد و حتی آن را از تصاویر در حال پخش از پرده سینمای سالن برج میلاد محل برگزاری مراسم هم حذف کرد تا دچار خبط و خطای مسئول سوزی نشود! اوج این جهت گیری آن جا بود که با دست بردن در باند صدای تصاویر ثبت شده از جشن، واکنش قابل پیش بینی حضار به پخش تصویر مسعود ده نمکی و محمدرضا شریفی نیا از پرده های بزرگ سالن را به تشویق بی امان و ذوق زدگی فراتر از حد تصور بدل کرد. خوب به یاد دارم که در فیلم فوتبالی محبوب من و منفور بسیاری از دوستان سینمایی یعنی «فرار به سوی پیروزی» جان هیوستن فقید، وقتی تیم حریف متفقین از روی نقطه پنالتی ضربه پنالتی نادرستی را به گل تبدیل می کرد، گزارشگر رادیو صدای تشویق تماشاگران حاضر در استادیوم پارک پرنس را تا انتها زیاد می کرد و به آن پژواک می بخشید تا خروجی گزارش را به سمت و سوی دلخواه سوق دهد. رفتاری که فقط اندوه و دلسوزی بر می انگیزد و ... همین!

پانوشته:

\* عنوان یادداشت یعنی "غم و ترحم" نام مستند ۴ ساعته ای درباره وضعیت یهودیان در جنگ جهانی دوم است که شخصیت آلوی سینگر (وودی آلن) مدام آنی (دایان کیتون) را در دل فیلم "آنی هال" (وودی آلن، ۱۹۷۷) به دیدن آن می برد.